

## بررسی نظریه‌ها و فرآیندهای روانشناختی در تبیین جرائم و کاربرد آنها در تدوین برنامه‌های کاهش جرم

دکتر صفیری ابراهیمی قوام استاد یارگروه روانشناسی تربیتی و سنجش و اندازه‌گیری دانشگاه علامه طباطبائی.

تاریخ دریافت: ۸۷/۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۸۷/۱۲/۱۴

### چکیده:

در نظریه‌های سستی، شخصیت مجرم به عنوان صفتی تلقی شده که به واسطه تجارب خانوادگی تکوین می‌یابد. البته هنوز بسیاری از جرم‌شناسان نسبت به این موضوع تردید دارند چرا که این رویکرد با جهت‌گیری‌های اثبات‌گرایی، جبرگرایی، زیست‌شناختی پروژه لمبروزو مرتبط است. به‌طور کلی اقدامات جرم‌آمیز حاصل یک محیط اجتماعی است و باید در بحث جرائم هم عوامل فردی و هم نقش نهادهای اجتماعی در نظر گرفته شود چرا که هیچ عاملی به تنهایی تبیین‌کننده این امر نیست. حتی دیدگاه‌های جبرگرایی محیطی نیز این توافق وجود دارد که بسیاری از اقدامات جرم‌آمیز توسط افراد خاصی صورت می‌گیرد و حاصل برخی از فرآیندهای درونی است. فرآیندها و رویدادهای روان‌شناختی می‌تواند در بعضی از افراد زمینه‌ساز و استمرار بخش به جرائم شود. این فرآیندها در تبیین برخی امور که مرز بهنجار و نابهنجار را شکنده می‌سازد، مؤثر است.

در این مقاله، جرم و رفتارهای مجرمانه از نظریه‌های شرطی‌سازی کلاسیک، شرطی‌سازی کنشگر، یادگیری شناختی رفتاری و مدل پردازش اطلاعات، تبیین می‌شود. تلویحات کاربردی

این نظریه‌ها به خوبی روش‌های کار و برنامه‌های درمانی مؤثر با بزهکاران جوان و بزرگسال را در کاهش ارتکاب مجدد رفتارهای جرم‌آمیز تبیین می‌کند و برنامه‌های مداخله طراحی شده در هر دیدگاه به اجمال مورد بحث قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها:

نظریه شرطی‌سازی کلاسیک، نظریه شرطی‌سازی کنشگر، نظریه رفتاری شناختی، جرائم، بزرگسالان، جوانان، مداخلات درمانی

نشانی: انتهای بزرگراه همت، دانشگاه علامه طباطبائی، تلفن: ۰۹۱۲۲۰۲۲۴۳۶

#### مقدمه:

در سال‌های گذشته نگرش‌ها و دیدگاه‌های جدیدی در امر بازپروری مجرمان و شیوه‌های پیشگیری و کاهش جرم و ارتکاب مجدد به آن در جهان مطرح شده است که هر یک از آنها سهم بسزایی در اعتلای نظام‌های قضایی ایفا کرده است. در شناخت عوامل مؤثر بر بروز جرائم و استمرار آنها و برنامه‌های مداخله و پیشگیری از جرائم در جوامع و اجتماعات مختلف می‌توان به مفهوم یادگیری که در ایجاد رفتار خواه بهنجار و خواه نابهنجار نقش داشته باشد، اشاره کرد. نظریه‌های اساسی یادگیری که در درک بهتر مفاهیم جرم و برنامه‌های مداخله تأثیرگذار بوده، به شرح زیر است:

#### نظریه شرطی‌سازی کلاسیک<sup>۱</sup>:

در فرآیند شرطی‌سازی کلاسیک، ارگانیسم موجود منفعلی است که در مقابل محرکاتی که به سائق‌ها و نیازهای زیستی وی مرتبط است، واکنش نشان می‌دهد، مجاورت و همایندی عامل مؤثری در پیوند بین محرکات طبیعی و محرکات خنثایی است که بتدریج تبدیل به محرکات شرطی می‌شود. در این نوع شرطی‌سازی علاوه بر منفعل بودن ارگانیسم، محرکات پیشایندی - قبل از بروز رفتار - نقش عمده‌ای را در بروز رفتار ایفا می‌کند، همچنین نوع

#### 1. Classical Conditioning

رفتارهای فراخوانده شده غیر ارادی و بازتابی است که در انسان تمام هیجانان مثبت و منفی، رغبت‌ها و گرایش‌ها، ترس‌ها، هراس‌ها، علایق نسبت به افراد و موقعیت‌ها و... تحت تأثیر این نوع شرطی‌سازی شکل می‌گیرد. فرد به این طریق یاد می‌گیرد، چه چیزهایی برای حیات او مفید و چه چیزهایی برای او مضر است. این نوع یادگیری در حذف هیجانان منفی، تمایلات و نگرش‌های منفی و یا مخرب (شرطی‌زدایی) که در بروز جرم مؤثرند و جایگزین ساختن هیجانان مثبت و سازنده دخیل است. روش‌های غرقه‌سازی، حساسیت‌زدایی، خاموشی و... از جمله روش‌های درمانی از این دیدگاه است.

### شرطی‌سازی کنشگر<sup>۱</sup>:

در این نوع شرطی‌سازی، فرد فعالانه براساس نتایج و پیامدهای رفتارش، اقداماتش را تنظیم می‌سازد و براساس عواقب آن رفتار احتمال بروز مجدد آن در شرایط مشابه افزایش یا کاهش می‌یابد. نوع رفتارها، ارادی بوده و تقویت‌کننده‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای بر رفتار دارد. بخش عمده‌ای از رفتارهای فرد براساس دریافت تقویت‌کننده‌های مثبت و منفی و تنبیه‌گرها شکل گرفته و به واسطه آنها فرد یاد می‌گیرد چگونه می‌تواند به خواسته‌های خود دست یافته و یا خود را از تنبیه در امان نگه دارد. در بسیاری از برنامه‌های مداخله تعیین تقویت‌کننده‌های مثبت، بستن قراردادهای یک طرفه و دوطرفه بین مجرمان و مسئولان به نحوی به کاربرد این روش یادگیری اشاره دارد.

### نظریه پردازش اطلاعات<sup>۲</sup>:

روان‌شناسی شناختی در سال‌های گذشته پیشرفت‌های معناداری داشته است. در این نظریه از مدل‌های کارکرد مغز برای تبیین مفهوم پردازش اطلاعات استفاده می‌شود. مغز به عنوان یک اندام ویژه که در امر گردآوری، تلفیق و تحلیل اطلاعات درباره محیط درونی و بیرونی

1. Operant Conditioning
2. Information Processing Theory

عمل می‌کند، دارای فرآیندهای پردازش، خودکار، کنترل شده و متوالی است. بخش عمده‌ای از اطلاعاتی که هر فرد دریافت می‌کند به‌طور خودکار پردازش می‌شود. در سال‌های گذشته تأکید بسیاری از متخصصان علوم روان‌شناسی و علوم تربیتی به‌کار برد هر چه بیشتر رویکرد شناختی در برنامه‌های مداخله و پیشگیری از جرائم قرار داشته است که در هر یک از برنامه‌ها از عوامل مؤثر بر ساخت‌دهی و سازماندهی مجدد اطلاعات، پیشگیری و بازشناسی تحریفات شناختی و... استفاده شده است.

### مدل یادگیری شناختی - رفتاری<sup>۱</sup> (بندورا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰، ۱۹۷۷):

بر اساس این نظریه، علاوه بر محرکات بیرونی، فرآیندهای درونی همچون توجه، ادراک، حافظه، بازشناسی، تفکر انتقادی، تفکر تحلیلی و... از جمله عوامل مؤثر بر رفتار افراد محسوب می‌شود و افراد بنا به آنچه که تجربه می‌کنند و مطابق با ادراکات خود و معنایی که برای آن رویداد در نظر گرفته‌اند، واکنش نشان می‌دهند. این دیدگاه به شکل زیر بازنمایی می‌شود.

**S**: محرکات: حوادث بیرونی یا شرایطی که فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد S-O-R-C  
**O**: ارگانیسم: حالت درونی خود، شامل ادراکات ذهنی و بازنمایی دنیای بیرونی و باورها و نگرش‌های فرد.  
**R**: پاسخ: واکنش رفتاری یا حرکتی.  
**C**: پیامدها: الگوهای تقویت‌کننده یا تنبیهات که به پیاپی رفتار به فرد داده می‌شود.

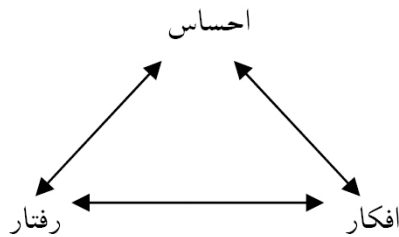
### وابستگی‌های درونی افکار، احساسات و رفتار:

در این نظریه سه عامل تعیین‌کننده رفتار، باورها و محیط بیرونی با یکدیگر کنش متقابل داشته و بر بروز یا عدم بروز رفتار مؤثر است.

1. Cognitive – Behavior Learning Model
2. Bandura

رفتار، اقدام مشاهده‌پذیری است و به چیزهایی که از فرد سر می‌زند خواه شنیداری یا دیداری حرکتی و عضلانی اشاره دارد. کلمه هیجانات را به سختی می‌توان تعریف کرد. می‌توان آن را بنا به حالات فیزیولوژیکی و بدنی که در ابراز احساسات دخیل است، تعریف کرد، مانند برافروختگی در موقعی که فرد احساس تنش می‌کند و یا افزایش ضربان قلب یا فشارخون و...

**شناخت** اشاره به رویدادهایی ذهنی که هر یک از ما مستقیماً تجربه می‌کنیم، اما برای دیگران مستقیماً قابل مشاهده نیست. با این وجود فرض می‌شود که دیگران نیز آنها را از طریق فرآیند استنباط و قیاس با خود درک می‌کنند (سیل<sup>۱</sup> ۱۹۷۵).



هر یک از عناصر سه‌گانه این مثلث دارای ارتباط متقابل است. بنابراین هر رفتاری که از فرد سر می‌زند حاصل تعامل سه نظام شناخت، هیجان و رفتار است. **محیط** شامل دامنه گسترده‌ای از رویدادهاست. این بدان معناست که یک فرد می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعددی قرار گیرد که از زمانی به زمان دیگر می‌تواند رفتار فرد را به اشکال متفاوتی تغییر دهد.

### تعامل بین فرد و عوامل زمینه‌ای:

در رویکردهای اجتماعی-شناختی فرض می‌شود تنها زمانی رفتار دیگران را می‌فهمیم که شرایط و موقعیت آنان را نیز درک کنیم. این بدان معناست که باید رابطه بین متغیرهای فردی و متغیرهای موقعیتی-محیطی مهم، در درک شرایط در نظر گرفته شود. تعامل این عناصر

#### 1. Seale

در کنار هم موجب فرآیندهای پیچیده، پویا و به هم مرتبطی می‌شود که مستلزم تحلیل‌های فردی و موقعیتی است. به عبارت ساده شخصیت فرد را نمی‌توان ثابت فرض کرد بلکه آن را باید امری نسبی تلقی کرد که متأثر از شرایط محیطی و موقعیتی است. در تبیین ارتباط تعاملی بین متغیرهای مختلف می‌توان به مطالعه‌ای اشاره داشت که در آن ۹۵۶ مجرم، براساس عوامل زمینه‌ای و اجتماعی همچون وضعیت پیشرفت تحصیلی، الگوهای اشتغال، پیوندهای خانوادگی مورد بررسی قرار گرفتند. ارتباط این عوامل بر نرخ جرم مؤثر تأیید شد از سوی دیگر سطح خویش‌تنداری فرد که در خلال دوران کودکی و نوجوانی رشد می‌کند و حاصل اطلاعاتی است که فرد از معلمان و هم‌تایان کسب کرده و می‌تواند ویژگی‌هایی شخصیتی همچون تکانشگری، بیش‌فعالی، تعامل، نزاع در موقع مواجهه با تعارضات و خطرپذیری فرد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در افرادی با سطح خویش‌تنداری پائین، سطح موفقیت تحصیلی عامل مهمی در درگیری گسترده فرد در ارتکاب جرائم است. وقتی که سطح هر دو عامل (خویش‌تنداری و موفقیت تحصیلی) پائین باشد، احتمال بروز جرم افزایش پیدا می‌کند. پس می‌توان نتیجه گرفت که تعامل عوامل متعددی در بروز جرم مؤثر است.

### یادگیری خودتنظیمی<sup>۱</sup>: رفتار کارکردی در مقابل سوء کارکردی:

رفتار آدمی از پیچیدگی فزاینده‌ای برخوردار است افراد، می‌توانند به رفتار خود شکل دهند. یکی از فرآیندهای اصلی در این امر، فرآیند خودتنظیمی است. یادگیری خودتنظیمی یکی از مفاهیم نظریه یادگیری شناختی - اجتماعی بوده که در درک رفتار هدفمند مؤثر است. این امر موجب گسترش رفتار هدفمندانه فرد می‌شود. حال ممکن است این فرآیند تحت تأثیر عوامل چندی قرار گیرد که موجب رفتارهای مفید یا مخربی شود. برخی رفتارها در یک موقعیت، مفید و کارکردی بوده، اما در موقعیت دیگری همان رفتار، مضر و غیر کارکردی تلقی می‌شود. به عنوان مثال خشم، یک پاسخ طبیعی و سازگارانه به موقعیت‌های معینی است که راهبردهای مقابله‌ای را برمی‌انگیزاند. در موقعیت‌هایی ابراز خشم می‌تواند کارکردی و مفید باشد و

#### 1. Self-regulated learning

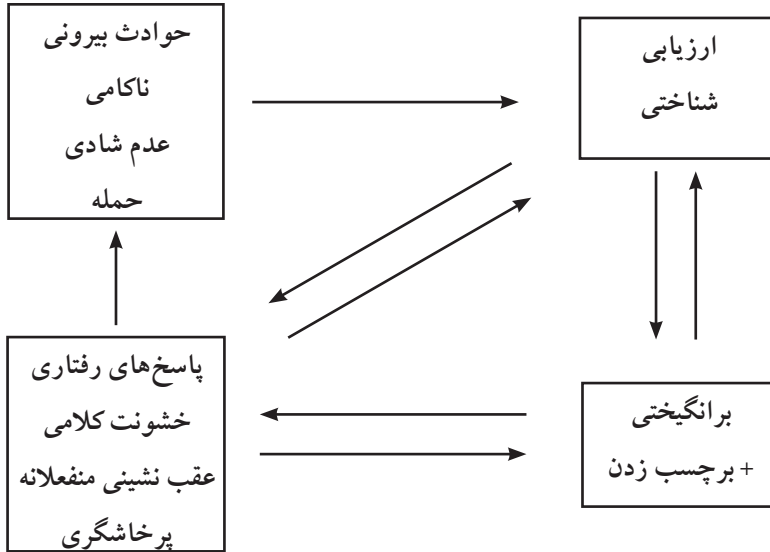
نشانگر سلامت روانی خوب است. شواهدی وجود دارد که نسبتی از تبادل خشم می تواند روابط نزدیک را تحکیم ببخشد. بنا بر تحقیق کاسینویی و همکاران، آنان پیشنهاد کردند که تنها ۱۰٪ از خشم، مبین پرخاشگری واقعی است. برای مثال می توان به مدل نواکر در تدوین برنامه پیشگیری از بروز مجدد جرم اشاره داشت که در آن مهارت کنترل خشم برای مجرمان و بزهکاران ارایه می شود.

#### مدل نواکر مؤلفه های محیطی، شناختی، فیزیولوژیکی و رفتاری (حرکتی)

این مدل هم ارز مدل یادگیری شناختی اجتماعی است که از چارچوب S-O-R-C تبعیت می کند. فرآیند ارزیابی شناختی اهمیت کلیدی در این مدل دارد. رویدادهای محیطی ذاتاً برانگیزاننده نیستند، بلکه هنگامی که آنها تهدیدکننده ارزیابی می شوند، احساس خطر تجربه می شود. بنابر این سه عامل، شناخت، رفتار و هیجان ارتباط تنگاتنگ و چندجانبه ای با هم دارند. هنگامی خشم می تواند سوءکارکردی و مضر باشد که خارج از حد کنترل فرد بوده و موجب بروز پاسخ های نامتناسب نسبت به عامل برانگیزاننده خشم شود و زمینه بروز رفتار خشونت آمیز در فرد مقابل را موجب شود.

باگسترش این مدل، نواکر، روش مداخله را به نام آموزش کنترل خشم مطرح ساخت که فرد را قادر به درک موفقیت آمیز مدیریت خشم سازد و در نتیجه فرد نحوه تنظیم آن را آموخته و سطح برانگیختگی فیزیولوژیکی رفتار وابسته به خشم را کنترل کند. در اولین قدم از فرد خواسته می شود تا خشم خود و نحوه ای را که مؤلفه های آن بر یکدیگر تأثیر می گذارد درک کند. مداخله نواکر ترکیبی از آموزش آرامش عضلانی (که به کاهش تنش کمک می کند) و خودآموزی های شناختی و گفتار درونی است که با افکار برانگیزاننده خشم، مقابله کند.

مدل نوآکر مؤلفه‌های محیطی، شناختی، فیزیولوژیکی و رفتاری (حرکتی)



### برنامه‌های مداخله و پیشگیری از بروز جرم

بالغ بر سه دهه گذشته، تأکید بر اتخاذ برنامه‌های هدفمندی که موجب کاهش جرائم شود بسیار مورد تأکید بوده است. اما گاه به دلیل در نظر گرفتن اهداف غیر واقع‌بینانه این امر به شکست منتهی می‌شود. در سال‌های اخیر رویکرد «بازپروری، توانبخشی مجرمان» مطرح شده است که به تدوین اهداف و راهبردهای عملی، دست یافتنی و اثربخش منتهی شده است. به‌رغم این تلاش‌ها به دلیل آن که در طول زمان موضوع جرائم دستخوش تحول گشته است، هنوز در محافل علمی در یافتن طرقی که موجب کاهش و پیشگیری از جرائم شود به طور جدی مباحث چالش برانگیزی مطرح است.



## شرایط مشترک در اثربخش تر ساختن برنامه‌های مداخله و پیشگیری از بروز جرائم

در بررسی پیشینه پژوهش‌هایی که بر روی مجرمان صورت گرفته، می‌توان به مطالعات گسترده‌ای که در ایالات متحده امریکا صورت گرفته اشاره داشت. از جمله این تحقیقات، سه گزارش عملکرد مبنی بر اثربخشی برنامه‌های بازپروری مجرمان در ایالت نیویورک است. این برنامه‌ها از سال ۱۹۶۸ آغاز شده و تا اواسط ۱۹۷۰ ادامه داشته است. مشابه با این کار در کشور بریتانیا صورت گرفت که در آن مطالعات متعددی نقاط اثربخش و قوت این برنامه‌ها را نشان می‌داد (برادی ۱۹۷۵). هر چند این مطالعات از لحاظ روش‌شناسی ضعیف بوده و نمی‌توان نسبت به نتایج آن اطمینان کافی داشت، اما باز تلاشی برای تدوین و گسترش برنامه‌های مداخله‌ای به‌شمار می‌آید.

در مطالعات مختلف، مشخصات و ویژگی‌هایی برای برنامه‌های مداخله و پیشگیری از وقوع مجدد جرم مطرح شده است که به برخی از آن ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

- **شواهد مدار بودن:** براساس شواهد اثربخش روند درمانی در مجرمان مورد بررسی و انتخاب قرار می‌گیرد. تمامی اعضای شرکت‌کننده در این برنامه خود را در کسب نتایج مثبت مؤثر و شریک دانسته و نسبت به آن متعهد هستند.

- **سطح خطر:** با تعیین سطح درگیری فرد در جرائم مختلف، اقدامات بنا به سطح خطر و منابع ممکن و در دسترس، تدوین می‌شود و افراد می‌توانند از خدماتی با سطوح متفاوتی بهره‌گیرند. سنجش سطح خطر معمولاً براساس تاریخچه و سوابق افراد مجرم صورت می‌گیرد. جدی‌ترین مداخله در خصوص مجرمانی که احتمال تکرار جرم توسط آنان زیاد است، صورت می‌گیرد. این را اصل خطر می‌نامند (آندرو و بوتنا، ۲۰۰۳). این روش برای مجرمان بزرگسال و جوان قابل استفاده است. عوامل خطر تعیین‌کننده تغییر در الگوهای تعاملات، کسب مهارت‌های اجتماعی و شناختی، نگرش‌ها است. این برنامه به‌ویژه برای کسانی که در مقابل تغییر مقاوم هستند، اثربخش است. عوامل خطرزا،

1. Brady

عوامل پویایی است که باید اولویت بندی شده و در برنامه خدمات بازپروری گنجانده شود. از سوی دیگر در افراد مجرم، نیازهایی نیز وجود دارد که آنها را به ارتکاب جرم مستعد می سازد. لذا، در برنامه های مداخلات باید این عوامل، واسطه ها، روش های تغییر رفتار و هدف برنامه های مورد استفاده مد نظر قرار گیرد تا موجب تغییرات درازمدت در کاهش ظهور جرم شود.

- **گستره:** یکی از عوامل مؤثر بر برنامه های مداخله، گستره جرائم است. مداخلاتی مؤثر بوده که از مدل های چندگانه استفاده کرده است. برای مثال برای گروهی از جوانان به طور همزمان برنامه های آموزش مهارت های اجتماعی، یادگیری کنترل تکانه ها، نظارت بر خود و حمایت از آنان در روند بروز تغییرات است. پالم (۱۹۹۲) این ایده را اصل گستردگی نامیده است.

- **مسئولیت پذیری:** هر چه میزان درگیر ساختن مجرم در فرآیند بهبودی بیشتر باشد، انگیزه وی در ادامه اقدامات بازپروری بیشتر خواهد بود. مسئولیت پذیری دارای دو جنبه است: یکی مسئولیت پذیری عمومی است، بدین معنی که هر چه اهداف روشن تر و ملموس تر بوده و برخوردار از محتوایی ساختمند بوده و بر داشتن فعالیت و یا کسب مهارت هایی مانند حرفه آموزی متمرکز باشد، احتمال موفقیت آمیز بودن آن برنامه افزایش خواهد یافت. از سوی دیگر باید خود کارکنان در برنامه های مداخله دارای مهارت های اجتماعی در سطح عالی باشند تا بتوانند با مجرمان روابط صمیمانه توأم با همکاری برقرار سازند و بر اساس حریم های تعیین شده عمل کنند. نوع دیگر مسئولیت، مسئولیت خاص است که اشاره به پذیرش راهبردهای مداخله برای انطباق با مشارکت کنندگان متفاوت و گوناگون دارد. این راهبردها باید معطوف به سن، جنس، قومیت، زبان و سبک های یادگیری مجرمان باشد.

- **هماهنگی:** هماهنگی و تلفیق برنامه های توانبخشی در میزان اثربخشی آنها مؤثر می باشد. هماهنگی نیز به دو نوع، قابل تقسیم است:

۱. **هماهنگی برنامه ها:** به زمانی اشاره دارد که مدیران خدمات بازپروری، منابع کافی در

اختیار داشته باشند این امر شامل داشتن کارکنان آموزش دیده به تعداد کافی، جا و مکان مناسب، برخورداری از نظارت و حمایت‌های لازم می‌شود.

۲. **هماهنگی درمانی:** اشاره به کیفیت جلسات برنامه یا سایر تماس‌های مستقیم مابین کارکنان و مجریان دارد، کاربرد مناسب مدل‌های نظری و تمرین مهارت‌های بین فردی مطابق با مشخصاتی است که طراحان تعیین کرده‌اند.

- **اجتماع مدار بودن:** بنا به یافته‌های مطالعات در حوزه جرائم قضایی، هر چه مداخلات، اجتماع مدار باشد، میزان اثربخشی آنها در کاهش جرم و وقوع مجدد جرم آن تأثیرگذار خواهد بود. اندرو<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) توصیه می‌کند که برنامه‌های خدمات اجتماع مدار تا حد امکان باید در محیط‌های عادی همچون خانواده و... ارائه شود. برای ارتقاء بخشیدن به این نوع خدمات باید اقدامات دیگری نیز صورت گیرد که از جمله آنها باید سنجش نیازها و تلفیق رویه‌ها، مطابق با روش‌های تحلیل معتبر صورت گیرد. این امر باید در فرآیند نظارت، هماهنگی، پیوستگی خدمات و ارزشیابی نتایج حاکم باشد. همچنین این امر در سطح راهبردی در مدیریت و انطباق کار نماهای درمانی قابل کاربرد است.

**مداخله‌های درمانی و پیشگیری مبتنی بر مدل‌های شرطی سازی و یادگیری شناختی - رفتاری:**

می‌توان برنامه‌های مداخله و پیشگیری را بنا به سن افراد به شیوه‌های مختلفی ارائه کرد. در این بحث انواع مداخلات با توجه به گروه سنی مجرمان به تفکیک ارائه می‌شود. **مجرمان جوان:** برنامه‌های مداخله بر روی جوانانی که دارای جرائم خشن یا جنسی بوده‌اند، بیشترین تأثیر دایمی را داشته است طول دوره این مداخلات، نباید کمتر از ۶ ماه با تماس حداقل دو بار در هفته باشد (لیپسی و ویلسون<sup>۲</sup>، ۱۹۸۸؛ داون و انورد<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹).

1. Androw
2. Lipsy and Willson
- 3-Down & Anward

**فعالیت‌های حرفه‌آموزی:** در این روش، مهارت‌های مختلفی آموزش داده می‌شود، اما رویکردی نیست که به واسطه آن مجرم پس از آزادی، قادر به کاریابی شود، هدف عمده آن آشناسازی مجرمان با فرآیند پیدا کردن کار که شامل مصاحبه عملی، پرکردن فرم‌های درخواست کار... می‌شد.

**برنامه‌های سازمان یافته:** بنا به اهداف تعیین شده فعالیت‌هایی طراحی می‌شود که در آن فرد به واسطه انجام آن فعالیت‌ها، تقویت کننده‌های مثبت دریافت می‌کند. این برنامه‌ها با هدف سوق دادن رفتار مجرم به سوی هنجارپذیری بیشتر، سطح سازگاری اجتماعی و بین فردی وی را افزایش می‌دهد.

**اجتماع درمانی:** در این روش برای درمان مجرمان سوء مصرف دارو تدوین شده است. در این برنامه، روش‌ها، رویه‌ها و اهداف به دقت تعریف می‌شود و سپس با تعریف عملیاتی، هدف نهایی به وضوح برای اعضاء مشخص می‌شود. این برنامه‌ها از نظریه یادگیری شناختی - رفتاری برگرفته شده است. با توجه به این موضوع افراد به بیان باورها، رفتارها و آثار محیطی تأثیرگذار بر آنها می‌پردازد. مطالعات مختلف نشان می‌دهد که این نوع مداخله بر کاهش میزان جرم تأثیرگذار بوده است.

**آموزش‌های بین فردی:** این آموزش‌ها شامل تمریناتی است که با هدف بهبود مهارت‌های تعامل و مشارکت با دیگران است در این آموزش‌ها، افراد در گروه‌های کوچک کار می‌کنند. افراد موقعیت‌هایی را که در آن مطمئن نیستند چگونه باید عمل کنند و یا قادر به کنترل خود نیستند را شناسایی می‌کنند و شیوه‌های رفتار مناسب در آن را مورد بحث قرار می‌دهند و سپس با روش ایفای نقش به تمرین آن رفتارها پرداخته و از سوی اعضای گروه، بازخورد دریافت می‌کنند.

**مداخلات رفتاری:** دامنه گسترده‌ای از روش‌های رفتارگریانه را می‌توان زیر این عنوان قرار داد. مک‌گوایر (۲۰۰۰) در کار با مجرمان از روش‌های رفتارگریانه استفاده کرد. برای مثال در جایی که بین مجرم و سرپرستش اختلاف وجود داشت از روش عقد قراردادهای دوجانبه و یا بنا به تعداد مشکلات رفتاری مجرمین، از یک نظام پاداش‌دهی

برای اصلاح رفتار آنان بهره جست و همچنین از روش‌های رفتارآموزی همچون سرمشق‌دهی، تمرینات تدریجی که به عنوان بخشی از برنامه‌های مداخله محسوب می‌شوند.

**آموزش مهارت‌های شناختی:** برنامه‌های متعددی در این حوزه وجود دارد که اکثر آنها شامل مجموعه‌ای از جلسات سازمان یافته است و هر یک شامل تمرینات طراحی شده برای کمک به شرکت‌کنندگانی است که باید توانایی‌هایی را در حوزه تفکر درباره مسایل روزمره و نحوه حل آن را کسب و یا گسترش دهند. معمولاً مواد آموزشی شامل توصیف یک مشکل، گردآوری اطلاعات، گردآوری دیدگاه‌ها، مرتبط ساختن مطالب به هم، پیش‌بینی پیامدها، کسب چشم‌انداز نسبت به آن و تصمیم‌گیری است. در حالی که این امر خیلی انتزاعی به نظر می‌رسد، مواد و روش‌ها معمولاً مبتنی بر مشکلات زندگی واقعی و مسایل ملموسی است که افراد با آن مواجه هستند.

**مشاوره سازمان یافته فردی:** مشاوره به اشکال بی‌شماری صورت می‌گیرد و در بسیاری از مؤسسات به‌کار برده می‌شود مثلاً در آموزش و پرورش، بازار کار، مراکز مراقبت از سلامتی، رشد و توسعه شخصی. محققان در کار با مجرمین پیشنهاد می‌کنند که باید جلسات مشاوره سازمان یافته و مستقیم باشد و براساس چارچوب واقعیت‌درمانی یا حل مسأله قرار داشته باشد.

**آموزش در شبه خانواده‌ها:** در این روش مجرمان جوان به‌طور گروهی در خانه‌هایی که بزرگسالان آموزش دیده به عنوان والدین متخصص حضور دارند، زندگی می‌کنند. نقش این بزرگسالان در این خانه‌ها گسترش مهارت‌ها و انجام کار مثبت به همراه و یا برای دیگران است و موجب مهارت‌های بین فردی و مدیریت خود در آنان می‌شود و زمینه ارائه و بهره‌گیری از خدمات مشاوره‌ای را فراهم می‌سازد. جوانان می‌توانند در مدرسه حضور یابند و یا به خانه خودشان در آخر هفته برگردند. یکی از کارهای نظام‌مندی که بر روی مهارت‌آموزی صورت گرفته است، کار چندلر<sup>۱</sup> (۱۹۷۳) است که مهارت‌های

1. Chandler

اجتماعی - شناختی کسب چشم انداز را به گروهی از مجرمان سابقه دار ۱۳-۱۱ ساله آموزش داد. او از تکنیک‌های خاصی مانند ایفای نقش و داستان‌گویی استفاده کرد. او دریافت در مقایسه با جمعیت غیر مجرم، گروه مجرمان جوان به‌طور معناداری خود محور هستند. به نحوی که نمی‌توانند خود را با دیگران سازگار و دیدگاه دیگران را درک کنند. وی ۴۵ مجرم را به‌طور تصادفی تحت سه موقعیت قرار داد: **گروه آزمایش** تحت جلسات آموزشی قرار گرفتند که شامل نمایش نقش‌ها از طریق فیلم و کسب چشم‌انداز نسبت به خود و آینده بود، به اعضای **گروه شبه آزمایشی** دوربین‌های فیلمبرداری داده شد که از فعالیت‌های مورد علاقه خود تصویربرداری کنند. **گروه گواه** نیز هیچ مداخله‌ای را دریافت نکرد. ارزشیابی‌هایی یافته‌ها نشان داد که در گروهی که از روش آموزش ایفای نقش و کسب چشم‌انداز استفاده شده بود، حداکثر تغییر دیده شد و پیگیری پس از ۱۸ ماه حاکی از کاهش معنادار ارتکاب جرم در اعضای گروه آزمایش بود.

## روش نظارت

مطالعات چندی اثربخشی فرآیند نظارت را در برنامه‌های مداخله نشان داده‌اند. در این روش افرادی مسئول، یا داوطلب کار با جوانان مجرم می‌شوند و به آنها کمک‌های مشورتی و عملی در کسب تسهیلات و خدمات اجتماعی می‌دهند. در اینجا نکته اساسی هماهنگ بودن مسئول و مجرم است. در این روش باید به سابقه و تاریخچه مجرم توجهی ویژه داشت. البته همیشه نمی‌توان تعریف روشن و دقیقی از نظارت ارائه کرد زیرا نظارت تعریف وسیعی دارد و به دامنه متفاوتی از فعالیت‌هایی که به عهده مسئول هر مجرم است، اطلاق می‌شود. دوم آن که فرآیند نظارت اغلب جنبه اصلی مداخله درمانی را دربرمی‌گیرد و معمولاً با عوامل دیگر می‌آمیزد که در برنامه‌های پیشگیری از تکرار جرم از جمله عوامل سازمان‌دهنده به آن تلقی می‌شود.

## ارتقای سطح مهارت‌های بین فردی:

هدف اصلی انواع مداخله کمک به مجرمان در کسب نگرش‌ها و تمایلات مثبت اساسی، مهارت‌های رفتاری - شناختی و حضور اثر بخش در محیط کار و تحصیل است چرا که این افراد در این حوزه‌ها معمولاً دارای مشکلات جدی هستند و می‌بایست مهارت‌هایی را در این زمینه‌ها دریافت کنند.

## مجرمان بزرگسال:

با این گروه سنی مداخلات مستلزم در نظر گرفتن شرایط خانوادگی و تأهل آنها نیز است که متأسفانه اغلب اوقات نادیده گرفته می‌شود. برنامه‌های مختلفی برای این افراد وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

**آموزش مهارت‌های شناختی - رفتاری:** به این افراد معمولاً برنامه‌های شناختی - رفتاری سازمان یافته‌ای ارائه می‌شود که متمرکز بر پیشگیری از خطر بروز مجدد جرم است. این برنامه‌ها برای افرادی که دارای الگوی جرائم خشونت آمیز، جنسی و یا سایر جرائم مرتبط هستند، مؤثر است.

**برنامه‌های ویژه:** این برنامه‌ها دارای مؤلفه‌های دیگری برای بزرگسالان بوده و شامل برنامه‌های کنترل خشم، تعدیل وضعیت خلقی، بازشناسی عوامل خطر آفرین و مدیریت خود است. برای مردانی که دارای مشکلاتی همچون خشونت خانگی هستند جلسات دیگری که شامل آموزش مهارت‌های ارزیابی ادراکات و دیدگاه فرد نسبت به نقش‌های مردانه و زنانه و مفهوم مردانگی که باور دارد، تشکیل می‌شود. همچنین تشویق به پذیرفتن مسئولیت اعمال خود و تصمیماتی که اتخاذ می‌کند.

**آموزش کنترل رفتارهای انحراف آمیز جنسی:** این آموزش‌ها برای مجرمان خشونت‌های جنسی که اکثریت آنها را مردان تشکیل می‌دهند، مفید است. این برنامه‌های مداخله معمولاً متمرکز به برانگیختگی جنسی انحراف آمیز، تحریفات شناختی، آموزش همدلی و آشنایی با عوامل خطر ساز در این نوع جرائم است. محتوای آموزشی در این برنامه‌ها باید

دقیقاً متناسب بنا به نوع جرم تعریف شده و باید به سن و جنس قربانیان نیز توجه شود. در ارائه این آموزش‌ها استفاده از روش‌های درمان گروهی و اجتماعات درمانی برای بزرگسالانی با سابقه سوء مصرف دارو می‌تواند مفید باشد. این کار را می‌توان از طریق مؤسسات محلی یا انجمن‌های ملی و با استفاده از مدل‌های مختلفی که متناسب با شرایط باشد، انجام داد. همچنین کسانی که از زندان آزاد می‌شوند، نیازمند گذراندن برنامه‌های مداخلات گروهی سازمان یافته هستند. در ابتدا تعاملات گروهی با الگوی خاصی آغاز می‌شود و رهبر گروه نقش فعالی در توسعه مناسبات مثبت بین اعضا ایفا می‌کند. با توسعه جو حمایتی اعضا، حاضر به بیان افکار و دیدگاه‌های خود شده و از تعامل بین فردی ایجاد شده، لذت می‌برند. از سوی دیگر تمرکز گروه بر یادگیری مجموعه‌ای از مهارت‌های ارتباطی و روش‌های حل مسأله قرار می‌گیرد که شامل: شناسایی مشکل، تولید راه‌حل‌های جایگزین، پیش‌بینی عواقب یا تفکر پیامد محور، تصمیم‌گیری و کسب چشم‌انداز نسبت به اقدامات بعدی است.

در پیگیری دوام تأثیر این روش پس از گذشت دو سال، میزان سازگاری این گروه بیش از گروه همتایی بود که هیچ مداخله‌ای را تجربه نکرده بودند.

## مجربان سوء مصرف دارو

### اجتماعات درمانی:

اجتماعات و انجمن‌های درمانی عمدتاً به شکل دو گروه مشخص تشکیل می‌شوند:

الف: مجربانی که سابقه طولانی سوء مصرف دارند.

ب: مجربانی که به عنوان افراد در معرض خطر بالا قرار می‌گیرند و معمولاً دارای جرائم دیگری نیز هستند. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که اتخاذ رویکرد شناختی-رفتاری در پیگیری از مصرف دارو مؤثر بوده است و انگیزه مجربان را برای تغییر خود بالا می‌برد.



## جرائم خشن

رفتار مجرمانه شامل خشونت‌های عمدی، تجاوز جنسی و... نشان می‌دهد که روش‌های تنبیهی نسبت به روش‌های انسان‌گرایانه تأثیر کمتری داشته و می‌توان از روش‌های آموزش مهارت‌های مدیریت بر هیجان‌ات به خوبی استفاده کرد.

از جمله آنها، مدیریت خشم است. این برنامه در گروه‌های کوچک صورت می‌گیرد. البته، انتخاب این نوع آموزش باید مبتنی بر نوع مشکلات ناشی از خشمی باشد که افراد مزبور تجربه کرده‌اند. این روش هم برای جوانان و هم برای بزرگسالان مفید است. در مطالعه‌ای که در زندان‌های کانادا انجام شد، آموزش این مهارت طی ۲۵ جلسه دو ساعته در طی ۴ تا ۵ جلسه در هفته ارائه شد. گروه‌ها نیز متشکل از ۴ تا ۱۰ زندانی بود. همین مطالعه در زندان‌های استرالیا نیز تکرار شد و نتایج به دست آمده در هر دو کشور مبین اثربخشی آموزش‌های مزبور در کنترل خشم بود.

**برنامه آموزش مهارت‌های شناختی:** این برنامه به شرکت‌کنندگان در کسب ظرفیت‌های جدید در فکر کردن و حل مسأله یاری می‌کند. نوعی از این برنامه‌ها در جهت بازسازی مدل شناختی بزهکاران و مجرمان مورد استفاده قرار گرفته است. این روش مبتنی بر نظریه یادگیری شناختی - اجتماعی است و تأکید بر مهارت‌های شناختی، حل مسایل جاری زندگی واقعی داشته و مستلزم کسب مجموعه‌ای از مهارت‌ها و عادات فکری است.

مک گوایر (۲۰۰۲) این ظرفیت‌ها را در زمان مواجهه با مشکل چنین توصیف می‌کند:

- شناسایی و به خودگویی دقیق این که ماهیت مشکل چیست.
- کنترل تکانه‌های عمل ناشی از اولین ایده‌ای که به ذهن فرد می‌رسد.
- تولید راه‌حل‌های جایگزین. توجه به کارهای دیگری که می‌توان در آن موقعیت انجام داد.
- داشتن تفکر انعطاف‌پذیر نسبت به مسایل.
- نگاه به آینده و پیش‌بینی کردن پیامدهای احتمالی.
- درک دیدگاه‌های افراد دیگری که متأثر از آن مشکل هستند.

کاربرد این مهارت‌ها می‌تواند از بروز مجدد جرائم پیشگیری کند. البته نارسایی این مهارت‌ها تنها علت بروز جرم محسوب نمی‌شود، بلکه این عوامل در کنار سایر عوامل خطر ساز می‌تواند زمینه بروز جرائم را افزایش دهد.

این برنامه‌ها دارای ۳۶ جلسه دو ساعته است که به‌طور گروهی توسط متخصص ماهر اداره می‌شود. مواد آموزشی براساس یک پودمان درمانی تدوین شده است و شامل آموزش مهارت‌های حل مساله، تفکر انتقادی و انواع مهارت‌های مرتبط، ارتقای سطح تعاملات اجتماعی، مدیریت خود، مذاکره و حل تعارضات است.

### برنامه تغییر شناختی خویشتن:

برنامه تغییر شناختی خویشتن شامل مجموعه‌ای از مهارت‌های شناختی، بین فردی و مدیریت خود بوده که در جهت محدود ساختن و کاهش جرائم تدوین شده است. رویکرد پیشنهادی در این برنامه توجه بر تحریفات شناختی است. باورها، گمان‌ها و اعتقادات مستقیماً بر اعمال ضد اجتماعی تأثیر می‌گذارد. این برنامه در خصوص مجرمان بزرگسال به‌کار گرفته شده و نتایج مطلوبی از آن به‌دست آمده است. جلسات آموزشی در قالب گروه‌های کوچک در زندان صورت می‌گیرد. معمولاً گروه‌ها شامل ۵ تا ۱۰ زندانی می‌شود که ۳ تا ۵ بار در هفته همدیگر را ملاقات می‌کنند. در هر جلسه از یک زندانی خواسته می‌شود تا حادثه‌ای را که موجب زندانی شدن وی شده است با در نظر گرفتن احساسات و افکار قبل، حین و پس از ارتکاب جرم تجربه کرده را به تفصیل بیان کند. گروه به‌طور دسته‌جمعی به شناسایی مسایل جرم‌آمیز از لابلای افکار و احساس فرد پرداخته و افکار جدیدی را که می‌تواند احتمال بروز جرم را کاهش دهد، پیشنهاد می‌کنند. الگوهای خاص تفکر به روابط، قدرت تصمیم‌گیری و مسئولیت‌پذیری در قبال اعمال خشونت‌آمیز ارتباط می‌یابد. عنصر اصلی مورد تأکید شامل اصلاح باورهای سوء استفاده‌گرانه است.

## سارقین اموال:

بنا به گروه سنی مجرمان می توان اقدامات مختلفی را انجام داد از آموزش والدین، اجرای برنامه های تغییر و اصلاح رفتار، آموزش خویشتنداری، روش های حرفه آموزی، بستن قراردادهای رفتاری و... هندرسون اعتقاد دارد در کار با کودکان و بزرگسالان استفاده از روش خویشتنداری را به یک اندازه مفید و اثربخش است. در خصوص کودکان علاوه بر روش فوق استفاده همزمان از روش عقد قرارداد، حساسیت زدایی، مدیریت زمان، برنامه ریزی و داشتن جدول فعالیت می تواند مفید واقع شود.

## جرایم جنسی

برنامه های مداخله بی شماری با تأکید بر نوع دقیق جرم، سن مجرم و سن قربانی تدوین شده است. موضوع اصلی سوءاستفاده جنسی از کودکان است که باید مؤلفه های خاصی در برنامه های پیشگیری و کاهش آن مورد توجه متخصصین قرار گیرد که عبارت است از: شناخت هنجارها، درک جرم از طریق بازسازی شناختی، شرطی سازی مجدد برانگیختگی (رویکرد شرطی سازی با تأکید بر اصلاح ترجیحات جنسی)، گسترش همدلی، مدیریت خلق و خو، بازآموزی مهارت های ارتباطی و شکستن زنجیره جرم از طریق قرار دادن عوامل پیشگیری کننده است. مارشال<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) از جمله اقدامات درمانی اثربخش را بالا بردن عزت نفس، کاهش تحریفات شناختی و دلیل تراشی، بهبود مهارت های اجتماعی به ویژه تمرکز بر همدلی و صمیمیت، اصلاح انحرافات جنسی می داند.

## مجرمانی با اختلالات شخصیت

این طبقه از مجرمان به دلیل داشتن اختلالات شخصیتی در مقابل هر تغییری مقاومت می کنند و این امر درمان پذیری آنان را دشوار می سازد. بنا به یافته های پژوهشی ملاحظه می شود برخی روش های رفتاری، شناختی-رفتاری و درمان های رفتاری-اجتماعی می تواند

1. Marshal

در کاهش رفتار مختل این افراد مؤثر واقع شود.

### برنامه‌های درمانی برای مجرمانی با اختلالات روانی

درمان زندانیان با تشخیص اختلالات روانی جدی عمدتاً بر دارو درمانی تأکید دارد. برای چنین مجرمانی، مداخلات درمانی باید مبتنی بر برنامه‌های دارو درمانی، روان درمانی و توجه به ابعاد اجتماعی و زمینه‌ای فرد باشد. مطالعات متعددی نشان می‌دهد که مداخلات شناخت درمانی می‌تواند در کاهش شدت و فراوانی باورهای هذیانی مؤثر باشد و نتایج موفقیت‌آمیزی در کاربرد انفرادی و گروهی این روش به چشم می‌خورد.

### مدیریت اجتماعی

برای کاهش جرم در جامعه باید کارهایی در سطح کلان صورت گیرد که امکان ارائه خدمات اجتماعی در سطح خرد را برای زندانیان و مجرمان سابقه‌دار فراهم سازد. خدمات اجتماعی باید دارای دو ویژگی عمده باشد. نخست آن‌که باید کلیه خدمات اجتماعی با هم هماهنگ باشد، دوم آن‌که هر خدمتی که ارائه باید فی نفسه دارای کیفیت عالی باشد.

برای نیل به این منظور باید:

- بر اهمیت ارتباط بین مؤسسات اهتمام ورزیده شود.
- تعادل آشکاری بین حقوق فردی و نیازهای درمانی و امنیت اجتماعی افراد برقرار شود.
- هر مؤسسه از نوع و دامنه نیازهای هر مراجع آگاهی یابد.
- بهره‌گیری از مدل‌های توضیحی در سنجش میزان خطر و تغییرپذیری شرایط مراجعان.
- کاربرد استلزامات قانونی روشن همچون محرمانه ماندن اطلاعات و تحت حمایت بودن.
- کاربرد رویه‌های مدیریت خطر.
- اجرای اصولی که موجب استمرار مراقبت‌های بهداشتی در سطح خرد و کلان می‌شود (مک‌گوایر ۲۰۰۶).

## بحث و نتیجه‌گیری:

لزوم اتخاذ رویکرد و مدل‌هایی که به واسطه آن بتوان شکل‌گیری رفتار مجرمانه و عوامل مؤثر بر گسترش آن را درک کرد و به تدوین و گسترش برنامه‌های مداخله و پیشگیری کمک کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دیدگاه‌های مختلف یادگیری به شیوه‌های مختلف روش‌ها و برنامه‌های درمانی را که زمینه‌ساز کاهش ارتکاب مجدد جرم و پیشگیری از بروز جرم بوده، ارائه کرده‌اند. اثربخشی هر روش بنا به مؤلفه‌های است که در هر نظریه یادگیری مورد تأکید قرار دارد.

این برنامه‌ها می‌تواند بنا به نوع جرم، سن و شرایط مجرم به شیوه‌ها و در گستره‌های مختلف به‌کار گرفته شود. اثربخشی هر روش به میزان تناسب روش‌ها با موقعیت و مجرم بستگی دارد و می‌تواند به‌طور انفرادی یا گروهی به‌کار گرفته شوند. بومی‌سازی این روش‌ها در ایران نیز می‌تواند در زندان‌ها و مراکز اصلاح و تربیت به‌کار گرفته شود.

## منابع مورد استفاده:

- 1- Anderson, D. and Fernandez, Y. (1999) *Cognitive Behavioural Treatment of Sexual Offenders*. Chichester: Wiley.
- 2- Andrews, D. A. and Bonta, J. (2003) *The Psychology of Criminal Conduct*, 3rd edn. Cincinnati, OH: Anderson Publishing Co.
- 3- Bandura, A. (2001) **Social cognitive theory: an agentic perspective**. *Annual Review of Psychology*, 52, 1-2
- 4- Bonta, J. and Andrews, D. A. (2003) A commentary on Ward and Stewart's model of human needs. *Psychology, Crime and Law*, 9, 215-18.
- 5- Brody, S. (1976) *The Effectiveness of Sentencing*. Home Office Research Study 35. London: HMSO.
- 6- Chandler, M. J. (1973) **Egocentrism and anti-social behavior: the assessment and training of social perspective-taking skills**. *Developmental Psychology*, 9, 326-32.

7- Dowden, C. and Andrews, D. A. (2000) **Effective correctional treatment and violent reoffending: a meta-analysis.** *Canadian Journal of Criminology*, 449-67.

8- Lipsey, M. W. and Wilson, D. B. (1993) **The efficacy of psychological, educational, and behavioral treatment: confirmation from meta-analysis.** *American Psychologist*, 48, 1181-209.

9- Lipsey, M. W. and Wilson, D. B. (1998) **Effective intervention for serious juvenile offenders: a synthesis of research.** In R. Loeber and D. P. Farrington (eds.) *Serious & Violent Juvenile Offenders: Risk Factors and Successful Interventions.* Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

Lipsey, M. W. and Wilson, D. B. (2001) **Practical Meta-Analysis.** Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

10- Maguire, M. (2002) **Crime statistics: the 'data explosion' and its implications.** In M. Maguire, R. Morgan and R. Reiner (eds.) *The Oxford Handbook of Criminology*, 3rd edn. Oxford: Oxford University Press.

11- McGuire, James (2006). *Understanding psychology and Crime. Perspectives on theory and action.* McGraw- hill Education. Open university press.

12-Marshall, W. L. (2001) **Adult sexual offenders against women.** In C. R. Hollin (ed.) *Handbook of Offender Assessment and Treatment.* Chichester: Wiley.

13- Marshall, W. L., Anderson, D. and Fernandez, Y. (1999) **Cognitive Behavioura Treatment of Sexual Offenders.** Chichester: Wiley. -

14- Novaco, R. W. (1975) *Anger Control: Development and Evaluation of an Experimental Treatment.* Lexington, KT: D. C. Heath.

15- Novaco, R. W. (1997) Remediating anger and aggression with violent offenders. *Legal and Criminological Psychology*, 2, 77-88.

16- Palmer, T. (1992) **The Re-Emergence of Correctional Intervention.** Newbury Park, CA: Sage Publications.

17- Searle, J. R. (1995) *The Construction of Social Reality.* London: Penguin Books